

## بررسی تحلیلی شعارهای جنبش اشغال وال استریت

غلامرضا جمشیدیها<sup>1\*</sup>، میکائیل حسین زاده<sup>2</sup>

(تاریخ دریافت: 93/2/4، تاریخ پذیرش: 93/12/24)

### چکیده

جنبش موسوم به اشغال وال استریت اعتراضی نسبت به بحران‌های سرمایه‌داری در عصر جدید است. این جنبش که از نیویورک آغاز شد، الهام‌بخش حرکت‌های مشابه در سراسر جهان بوده و دامنه آن به شهرهای دیگر آمریکا و برخی شهرهای بزرگ اروپا کشیده شد. جنبش شعارهای به‌نسبت، پراکنده‌ای دارد که در آن اهداف جنبش منعکس شده است. هدف این مقاله بررسی و تجزیه و تحلیل شعارهای جنبش وال استریت است که در خیابان وال استریت نیویورک و به دنبال آن در شبکه‌های اجتماعی مطرح شد. سؤال اصلی پژوهش پاراگراف این است که ماهیت و نوع جنبش چیست و ارزش‌ها و ایدئولوژی‌های موجود در شعارها چه ابعادی را دربرمی‌گیرد؟ این پژوهش با روش تحلیل محتوا انجام شده است، شعارها از شبکه‌های اجتماعی، سایت‌های خبری و رسانه‌هایی جمع‌آوری شده است که این جنبش را تحت پوشش قرار دادند و به چهار دسته براساس اعتراض به وضعیت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تقسیم شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که در میان صد شعار مطرح

\*gjamshidi@ut.ac.ir

1. دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

2. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

شده درکل، دویست و شصت مورد مضمون وجود دارد. مضمون صد و پنج (40/38 درصد) شعارها بر تغییر یا اصلاح حوزه اقتصادی تأکید دارد. مضمون و انتقاد شصت و هشت (26/15 درصد) متوجه حوزه سیاسی است. مضمون 18/46 درصد شعارها به حوزه اجتماعی اعتراض دارند و پانزده درصد از مضمون‌ها خواهان بازنگری و تغییر در حوزه فرهنگی است. همچنین براساس یافته این تحقیق می‌توان گفت این جنبش بیشتر خصلت اصلاحی دارد و واکنشی به بحران‌های اخیر نظام سرمایه‌داری است.

**واژگان کلیدی:** ایدئولوژی و ارزش‌های وال استریت، بحران اقتصادی، بحران مشروعیت.

### مقدمه و تعریف مسئله

تلاش نظام سرمایه‌داری به‌گونه‌ای است که توزیع ثروت سبب تغییر کیفی در روابط میان طبقه حاکم و طبقات فرودست نشود؛ فاصله میان طبقات به اندازه‌ای باشد که ساختار طبقاتی به هم نریزد و به آن حد از رشد مادی و کیفی نرسد که تغییر کیفی ایجاد شود.

رفتارهای جمعی و شورش‌های اعتراضی در طول تاریخ به شکل‌های مختلف در غرب وجود داشته است؛ اما نوعی از این رفتارها با عنوان جنبش‌های اجتماعی در چند دهه اخیر مطرح شده‌اند (نش، 1384: 112).

جنبش اجتماعی یک‌نوع رفتار جمعی و اعتراضی به‌عنوان شبکه وسیعی از افراد، محافل، گروه‌های رسمی و غیررسمی است که دارای سازماندهی است و در پی تحقق هدف یا اهدافی می‌باشد (جلایی پور، 1381: 20).

اگر خصوصیات جنبش‌های غرب در طول قرن بیستم و اوایل قرن بیست‌ویکم را بررسی کنیم، این جنبش‌ها در دو شکل ظهور کردند: یکی به‌صورت نهضت‌های کارگری که دغدغه‌های مادی داشتند و دیگری در شکل جنبش‌هایی که بیشتر دغدغه‌های هویتی و فرهنگی دارند. از اواخر قرن نوزدهم تا فروپاشی اتحاد شوروی، جنبش‌های اجتماعی در کشورهای غربی معطوف به نهضت‌های کارگری بود که عمدتاً در چارچوب سندیکاها، اتحادیه‌های کارگری و در قالب احزاب سیاسی منضبط فعالیت می‌کردند. این نهضت‌ها از بستر کار صنعتی برخاسته و آماج اصلی آن‌ها برابری، اشتغال و عدالت اجتماعی بود. با فروپاشی اتحاد شوروی،

بررسی تحلیلی شعارهای جنبش اشغال ... \_\_\_\_\_ غلامرضا جمشیدیها و همکار

نهضت‌های کارگری جای‌شان را به جنبش‌هایی واگذار کردند که در دهه شصت از بستر کار پسا صنعتی برخاسته و بیشتر دغدغه‌های هویتی - فرهنگی همچون برابری جنسیتی، حفظ محیط زیست، حفظ صلح، آزادی‌های مدنی و حقوق بشر داشتند.

جنبش‌های دهه 1960 میلادی و به‌ویژه، جنبش دانشجویی 1968 فرانسه طبقاتی نبودند، دست‌کم از نظر بسیاری از خواسته‌ها و هویت‌های اجتماعی که این جنبش‌ها برآیندشان بودند - نژاد - جنسیت، جوانی ... (سکات، 1388: 32). فصل مشترک این جنبش‌ها هم در آمریکا و هم اروپا اعتراض به مناسبات حاکم بر جوامع صنعتی مدرن بود. جنبش مه 68 فرانسه به دنبال نقد حکومت بورژوا، نفی حکومت مطلقه استبدادی، نفی و نقد توسعه و نوسازی آمرانه، اعتراض علیه وضعیت نابسامان اجتماعی کشور، نفی الیگارشی و خانواده‌سالاری در حکومت بود و هویت جدیدی به جهان عرضه کرد که زمینه‌ساز تأثیر شگرفی بر روابط انسانی و زندگی مدنی شد.

یکی دیگر از جنبش‌هایی که دغدغه‌های هویتی فرهنگی داشت، نهضت محیط زیست بود. به‌زعم کاستلز اگر بنا باشد نهضت‌های اجتماعی را براساس نیروی مولد تاریخی آنها، یعنی تأثیرشان بر ارزش‌های فرهنگی نهادهای جامعه ارزیابی کنیم، نهضت محیط زیست ربع پایانی قرن بیستم، جایگاه ممتازی در چشم‌انداز تاریخ به‌دست می‌آورد. در دهه 1990، هشتاد درصد آمریکایی‌ها و بیش از دوسوم اروپایی‌ها خود را طرفدار محیط زیست می‌دانستند؛ احزاب و نامزدهایی که برنامه‌ها و سیاست‌های خود را «سبز نساخته» باشند به زحمت می‌توانند در انتخابات پیروز شوند. شرکت‌ها حتی آنهایی که سهم عظیمی در ایجاد آلودگی‌های زمین دارند در روابط عمومی خود و بازاریابی‌های جدید خود محیط زیست‌گرایی را لحاظ می‌کنند (کاستلز، 1385: 145). مشکل اصلی اکولوژیست‌ها ملی‌گرایی دولتی است؛ زیرا دولت ملی قدرت خود را بر منطقه معینی اعمال می‌کند و رابطه بین مناطق معین را از هم می‌گسلد و اشتراک سهم ما را در زیست‌بوم جهانی تضعیف می‌کند. درواقع آن‌ها معتقدند که باید به دور از تعصب ملی به صورت بین‌المللی کار کرد و در همان حال فرهنگی قومی را هم باید پاس داشت؛ بنابراین آن‌ها عقیده دارند که در مدیریت زمان باید، جهانگرا بود و در دفاع از مکان باید محلی‌گرا بود.

بدین‌سان کانون مبارزات اجتماعی جنگ طبقاتی بین کارگران و سرمایه‌داران به منازعات غیرمادی انتقال یافت. جریان‌های جدید که اکثراً به طبقه متوسط تعلق خاطر نشان می‌دادند،

آماج‌شان بیشتر از تحولات زیربنایی و رفع چالش‌های اصلی همچون فقر و نابرابری، متوجه مسائل روبنایی و تحولات ساختاری گردید (ژیژک، 2011). جنبش‌های متأخر، حرکت‌های اجتماعی نامتعارفی هستند که درعین حال که برخی از خصوصیات هردو جنبش متقدم را دارند، به هیچ‌یک از آن‌ها تعلق و وابستگی ندارند؛ به‌عنوان مثال، کنشگران جنبش اشغال وال استریت با وجودی که نه از یک طبقه متعارف اجتماعی - اقتصادی به مفهوم کلاسیک و نه هم از یک ایدئولوژی خاص نمایندگی می‌کنند، خودشان را نماینده نودونه درصد می‌دانند. در عین حال، مسئله اصلی آن‌ها مانند جنبش‌های کارگری عدالت اجتماعی است؛ درحالی که مدل فعالیت‌شان برخلاف جنبش‌های کارگری نه براساس سازماندهی رسمی و سلسله مراتب حزبی و سندیکایی که به شکل خودجوش و غیرسازمانی صورت می‌پذیرد (دلپورتا و دیانای، 1384: 16-30).

ظهور جنبش وال استریت در متن صورت‌بندی جدیدی شکل گرفت و نمادهای تازه‌ای از کنش‌های اجتماعی و سیاسی را مطرح کرد. در این جنبش، یک قدرت واحد همانند یک طبقه، صنف یا قشر و یا شبکه متمرکزی وجود نداشت، بلکه این شبکه‌های متکثر گروه‌ها و حتی متضاد اجتماعی بودند که جنبش را شکل دادند. این جنبش دارای افقی باز و گسترده، حول گفتمان ضدسرمایه‌داری و بی‌عدالتی‌های جامعه آمریکا بود و بنابراین وجهه بارز آن ائتلافی بی‌شکل، نامشخص و نامحدود طیفی از اندیشه‌های متنوع و حتی متضاد بود. (امین صارمی، 1390: 118)

محرك اصلی شکل‌گیری جنبش وال استریت، بحران مالی و نابسامانی اجتماعی ناشی از آن بوده، گفتمانی که این جنبش خلق کرده، درحد اعتراض در برابر بحران خلاصه نمی‌شود. این جنبش، پایه‌های مشروعیت نظام سیاسی - اقتصادی حاکم را آماج قرار داد. خواست اصلی افراد در این جنبش، نفوذ و به‌دست آوردن سهم لازم جامعه در سازمان‌های مسلط سیاسی - اقتصادی بود. جنبش، به‌جای واکنش در برابر بحران مالی، قدرت مالی‌ای که تمام نهادهای سیاسی - اجتماعی تحت سلطه خود درآورده‌اند را به چالش کشیده است. گفتمانی که این جنبش به راه انداخته، یعنی کشیدن جامعه از حاشیه‌ها به مرکز، در هر زمانی فرصت‌های عظیمی را برای دوام آن در حوزه عمومی فراهم کرده است.

همه جنبش‌ها ایدئولوژی و ارزش‌هایی دارند که کارکرد مهمی را برای جنبش ایفا می‌کنند؛ ازجمله این کارکردها نشان دادن دیدگاه هواداران و اعضای جنبش نسبت به وضع موجود

بررسی تحلیلی شعارهای جنبش اشغال ... \_\_\_\_\_ غلامرضا جمشیدیها و همکار

جامعه، وضعیت جامعه آرمانی و مطلوب، ارزش‌های اساسی مردم و نحوه تغییر جامعه از وضع موجود به وضع مقبول است. ایدئولوژی جنبش معمولاً در قالب شعارها مطرح می‌شود که دربرگیرنده هسته اصلی ایدئولوژی و ارزش‌های جنبش است؛ به همین سبب شعارهای جنبش از اسناد مهمی به‌شمار می‌رود که مطالعه آن‌ها یکی از منابع مهم شناخت ایدئولوژی، ارزش‌ها و آرمان‌های آن جنبش است. (پناهی، 1385: 60)

هدف این مقاله پاسخ به دو پرسش ذیل است:

- آیا جنبش وال استریت خصلتی براندازانه دارد یا صرفاً واکنشی دفاعی علیه سیاست‌های حاکم جهان سرمایه‌داری است؟ به بیان دیگر، ماهیت و نوع جنبش چیست؟  
- ارزش‌ها و ایدئولوژی‌های موجود در شعارهای جنبش چه محورها و ابعادی را دربر می‌گیرد؛ درواقع، ارزش‌های مطرح شده در شعارها در کدام یک از چهار مقوله (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی) قرار می‌گیرد؟

زندن<sup>1</sup> جنبش اجتماعی<sup>2</sup> را «تلاش مداوم و سازمان‌یافته تعداد نسبتاً زیادی از مردم برای ایجاد یا جلوگیری از یک تغییر اجتماعی» تعریف می‌کند. (زندن، 1990: 603) وی جنبش‌های اجتماعی را به جنبش‌های انقلابی، اصلاحی، مقاومتی و خودبیانی تقسیم می‌کند، (همان: 594) آن اسکات هم در این باره دو پرسش عمده را مطرح کرده:

1. اینکه جنبش‌های اجتماعی بازتاب کدام دگرگونی‌های اجتماعی گسترده هستند؟
2. جنبش‌های اجتماعی موجب پدیدآمدن چه نوع دگرگونی‌های گسترده‌ای خواهند شد؟ (اسکات، 1388: 49-50)

بر این اساس، این پژوهش در پی آن است که مشخص کند جنبش وال استریت آیا یک جنبش معطوف به هنجار است که برای دگرگون ساختن قواعد و هنجارهای مستقر تلاش می‌کند یا اینکه این جنبش یک جنبش معطوف به ارزش است که از حد تغییر قوانین و ضوابط می‌گذرد و خواهان تغییر درازمدت و بنیادی در نگرش‌ها و ارزش‌هاست (بشیریه، 1379: 53-54). یا خواهان حفظ وضع موجود و مخالف تغییر است یا درنهایت اینکه به دنبال دگرگون کردن طرز نگرش و باورهای افراد است نه ساختارها و نهادهای اجتماعی. به بیان دیگر این جنبش آیا یک جنبش اصلاحی است یا خواهان تغییر کلیت نظام سرمایه‌داری است؟

یا شامل دو مورد مقاومتی یا خود بیانی است. (ابراکرامبی، 2000: 234) و ازسوی دیگر، آرمان‌ها و ارزش‌های این جنبش چیست؟ و در کدام یک از چهارمقوله نام برده قرار می‌گیرند؟

## مبانی نظری: جنبش‌های اجتماعی در غرب به‌عنوان واکنشی در مقابل

### بحران‌های سرمایه‌داری

اولین اعتراض جدی نسبت به عملکرد نظام سرمایه‌داری از سال 1834 در اروپا آشکار شد؛ این اعتراض‌ها در قالب مبارزه‌های صنفی شروع شد؛ سپس ابعاد سیاسی پیدا کرد. بعد از جنگ جهانی اول، سران دولت‌های غربی فهمیدند که با تداوم این وضع نمی‌توانند حکومت و کلیت نظام سرمایه‌داری‌شان را حفظ کنند؛ زیرا سیاست‌های لیبرالیسم، به ایجاد فقر و فاصله طبقاتی و بحران‌های اجتماعی اعتراضی می‌انجامید. ترس از ظهور بحران‌های فراگیر، موجب دو رویکرد جدید در چارچوب نظام سرمایه‌داری شد. یکی رویکرد سوسیالیسم بلشویک و به‌طور مشخص استالینی بود و دیگری، رویکرد فاشیستی و نازیستی بود که در کشورهای اروپای مرکزی در دهه 1930 پدید آمد (زرشناس، 1391: 1).

تفکری که توانست نظام سرمایه‌داری را تا دهه نود حفظ کند، الهام‌گرفته از آرای جان مینارد کینز<sup>3</sup> بود. وی سیاست‌های سوسیال دموکراتیک را پیشنهاد داد که در آن دولت برخلاف سیاست‌های لیبرال کلاسیک در اقتصاد دخالت می‌کرد؛ به این نحو که بخشی از سود در گردش سرمایه‌داران را به‌عنوان مالیات‌های تصاعدی و یا از طریق ملی‌کردن صنایع بزرگ گرفته و به اقشار فرودست جامعه در قالب بیمه‌های بیکاری و بیمه‌های خدمات درمانی و ساختن مدارس و بیمارستان‌های دولتی و غیره تزریق می‌کرد و بدین وسیله، جلوی انتشار اعتراض‌ها را می‌گرفت. این سیاست‌ها، بعد از شکست هیتلر و موسیلینی در آلمان، ایتالیا و فرانسه به نسبت‌های مختلف اجرا شد (اسکات، 1388: 49-50).

در آمریکا با ظهور بحران گسترده مالی در سال 1929 روزولت مجبور شد تا سیاست‌های سوسیال دموکراتیک و اقتصاد ارشادی را اجرا کند که نسبت به اروپا، ضریب دخالت دولت، کمتر بود. تداوم این سیاست‌های ارشادی و سوسیال دموکراتیک، در درازمدت سبب شکل‌گیری بحران رکود تورمی در نظام سرمایه‌داری می‌شود و دولت را به نقطه‌ای می‌رساند

بررسی تحلیلی شعارهای جنبش اشغال ... \_\_\_\_\_ غلامرضا جمشیدیها و همکار

که نمی‌تواند بیش از این در اقتصاد دخالت کند. این موضوع در همان دههٔ چهل توسط اقتصاددانان نئولیبرال همچون فون هایک<sup>4</sup> مطرح شده بود که می‌خواستند نظام سرمایه‌داری را از بحران خارج کنند (همان: 2).

بحران نفتی دههٔ هفتاد رکود عظیمی در اقتصادهای سرمایه‌داری ایجاد کرد. حتی کشورهای سوسیالیستی با محوریت شوروی هم در این دهه دچار رکود بودند. چرخشی در سیاست‌های اقتصادی نظام سرمایه‌داری پیدا شد؛ این چرخش با تغییر در مدیریت بانک مرکزی آمریکا و با روی کار آمدن ریگان در 1980 شروع شد. در این برهه، حاکمان اقتصاد جهانی تصمیم گرفتند که سیاست‌های نئولیبرال را جایگزین سیاست‌های سوسیال دموکرات کنند. هم‌زمان حزب کارگر در انگلستان جای خود را به مارگارت تاچر داد و در کشورهای دیگر نیز افراد نئولیبرال به قدرت رسیدند. از این پس مدل اقتصاد کینزی از دستور کار خارج شده و مدل اقتصادی نئولیبرال جایگزین آن می‌شود. صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی این مدل را برای کشورهای جهان سوم هم توصیه کردند.

جوهرهٔ سیاست‌های اقتصادی نئولیبرال این است که دولت، حمایت خود از اقشار فرودست جامعه را بردارد. نئولیبرال‌ها این مسئله را به نفع نظام سرمایه‌داری مصادره کرده و حتی سخن از پایان تاریخ - فوکویاما<sup>5</sup> - به میان آوردند. تا پایان دههٔ نود، نتایج اقتصادی - اجتماعی سیاست‌های نئولیبرال در آمریکا آشکار نشده بود؛ اما در سال 2001 و 2002 که بحران‌های اقتصادی ناشی از هزینه‌های سرسام‌آور جنگ با عراق و افغانستان در اقتصاد آمریکا ظاهر می‌شود، نئولیبرال‌هایی همچون سارکوزی از حزب راست‌گرای یوم. ام. پی در فرانسه و برلوسکونی از جبههٔ راست میانه در ایتالیا به قدرت می‌رسند و حتی مرکل از حزب دموکرات مسیحی آلمان هم هماهنگی بیشتری با سیاست‌های جنگ‌طلبانهٔ آمریکا دارند؛ به‌دنبال این مسائل، موج اعتراضی گسترده‌ای در جهان سرمایه‌داری ایجاد می‌شود.

موج جنبش وال استریت، حلقهٔ واپسین این جریان است که در آمریکا رخ داده است. طیفی از معترضان، اعم از فرودستان و ورشکستگان، سوسیالیست‌ها و هواداران سیاست‌های سوسیال‌دموکرات به نظام سرمایه‌داری و نئولیبرالیسم، این جنبش را شکل داده‌اند. به بیان نوام چامسکی، تداوم دور باطلی از موضوعات اجتماعی باعث شد تا زمان اعتراض‌ها در آمریکا

فرابرسد و جوانان امریکایی در خیابان وال استریت در اعتراض به اوضاع وخیم اقتصادی و اختلاف طبقاتی آمریکا و سیاست کنونی این کشور دست به تظاهرات گسترده‌ای بزنند.

یورگن هابرماس، بحران‌های سرمایه‌داری را بررسی کرده است. از نگاه هابرماس، سرمایه‌داری را می‌توان ترکیبی از چندین خرده‌نظام به‌شمار آورد: اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی. به موازات تکامل این نظام، محل بحران از جایی به جای دیگر حرکت می‌کند. (یان کرایب، 1378: 306). وی چهارگونه بحران را ذاتی سرمایه‌داری می‌داند که عبارت‌اند از: الف) بحران اقتصادی؛ ب) بحران عقلانیت؛ ج) بحران مشروعیت؛ د) بحران انگیزش.

هر مرحله از توسعه سیستم سرمایه‌داری، نوع تازه‌ای از بحران را به‌وجود می‌آورد هرچند که نوع قبلی لزوماً از بین نمی‌رود. تحلیل هابرماس از سرمایه‌داری اولیه با مهم‌ترین ویژگی آن یعنی «بحران اقتصادی» مشخص می‌شود. بحران اقتصادی و تضادهای ناشی از آن در میان کار و سرمایه، سرآغاز بحران است. حکومت به‌منظور حل بحران اقتصادی، دست به دخالت می‌زند؛ اما همین دخالت هم خودش زمینه‌سازی بحران دیگری می‌شود؛ در واقع دخالت فزاینده دولت و قدرت حکومت به‌منظور پاسخ به بحران اقتصادی «بحران عقلانیت» را به‌وجود می‌آورد که عملکرد خود حکومت موجب بروز آن می‌شود؛ چون حکومت برای اجرای کارکردهای خود باید پیوسته وام بگیرد و بدین ترتیب تورم پایدار و بحران مالی پدید می‌آید. ریشه مسائل در این بحران در نهایت از ناتوانی حکومت در آشتی دادن منافع متضاد و متفاوت خصوصی است. عقلانیت‌گریزی پایه‌ای سبب «هرج و مرج بازار» می‌شود؛ اما اندیشه‌ای که ما می‌توانیم بازار را از نظمی برخوردار سازیم که از تضاد منافع خصوصی به دور باشد در سطح یک‌پارچگی اجتماعی بحران عقلانیت را به‌صورت «بحران مشروعیت» درمی‌آورد. (یان کرایب، 1376: 49)

اگر بحران عقلانیت را بتوان در خرده‌نظام سیاسی مهار کرد، صحنه به خرده‌نظام‌های اجتماعی - فرهنگی تغییر می‌کند و بحران دیگری تحت بحران انگیزش رخ می‌دهد. بحران انگیزش زمانی دامنگیر می‌شود که نظام فرهنگی - اجتماعی توان ایجاد معانی کنش‌برانگیز را نداشته باشد افزایش قدرت دولت و نظارت فن‌سالارانه لازم برای مهار سایر شکل‌های بحران، سبب تضعیف انگیزه‌های مردم برای مشارکت در نظام می‌شود. انگیزه رقابت اقتصادی همراه با اخلاق کار به‌طور مرتب، از میان می‌رود. کار به سمت روزمرگی و دیوان‌سالارشدن پیش



بررسی تحلیلی شعارهای جنبش اشغال ... \_\_\_\_\_ غلامرضا جمشیدیها و همکار

می‌رود و نظام اقتصادی به نظامی قایم به ذات تبدیل می‌شود. دولت دیوان‌سالاری که روزبه‌روز قدرتمندتر می‌شود، امکان مشارکت سودمند مردم را در فرآیندهای تصمیم‌گیری از طریق نهادهای دموکراتیک معمول از قبیل احزاب سیاسی و انتخابات از بین می‌برد. (هابرماس، 1981: 342)

با دخالت دولت در اقتصاد، دولت به تدریج به سازمانی تبدیل می‌شود که حمایت از روابط تولید را مستقیماً در دست گرفته و حتی سازمان‌دهی «حوزه عمومی» که در جامعه سرمایه‌داری خارج از حیطه آن محسوب می‌شود را نیز به عهده می‌گیرد. گسترش حیطه کار و مداخله دولت و نظام اداری وابسته به آن به حوزه خصوصی زندگی مردم در سرمایه‌داری جدید موجب می‌شود که مطالبات مردم از دولت افزایش یابد. در این حالت در سرمایه‌داری پیشرفته، وضع اجتماعی محصول مداخله دولت در تمامی حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی محسوب می‌شود؛ بدین ترتیب، نقش سیاست در حوزه عمومی زندگی و زندگی روزمره مردم افزایش می‌یابد و موجب افزایش توقعات و خواسته‌های عمومی از دولت می‌شود. مردم عادی بدین‌گونه نقش بیشتری را در تصمیم‌گیری دولت طلب می‌کنند؛ درحالی‌که دولت عملاً حامی و حافظ منافع طبقه سرمایه‌دار است؛ در نتیجه دولت به‌عنوان مرکز ثقل سرمایه‌داری جدید در یک تناقض و بحران گرفتار می‌شود؛ زیرا از یک‌سو باید حافظ منافع طبقه‌ای خاص بوده و از سوی دیگر، وفاداری و نظر مساعد عامه مردم را نیز جلب کند. (هابرماس، 1980: 97-117)

چیزواره شدن که نتیجه رشد اقتصاد مصرفی و دولت رفاه بروکراتیک پس از جنگ است، به درون آنچه در گذشته زندگی خصوصی نامیده می‌شد گسترش یافته و چنین وضعیتی به ظهور جنبش‌های اجتماعی جدید کمک می‌کند. از نظر هابرماس، جنبش‌های اجتماعی اساساً برای دفاع از زیست جهان در مقابل چیزواره‌شدن و اداره بروکراتیک<sup>6</sup> به‌وجود آمده‌اند که به‌شدت این زیست جهان را از ناحیه نظام‌های اقتصادی و سیاسی جوامع مدرن تهدید می‌کنند. جنبش‌های اجتماعی مترقی با طرفداری از یک جامعه عادلانه‌تر و مشارکتی‌تر و جامعه‌ای که به‌گونه‌ای عقلانی‌تر سازمان یافته است، خواستار جایگزین شدن عقلانیت ارتباطی به‌جای پذیرش سنتی و غیرعقلانی نظام‌ها هستند. (نش، 1380: 136-137).

نهضت‌های اجتماعی جدید از شیوه‌های زندگی به‌خطرافتاده که دولت رفاه آن را تهدید می‌کند، دفاع می‌کنند، و سعی در برقراری مجدد آن‌ها دارند. تضادهای جدید توسط مسائل

توزیع شعله‌ور نمی‌شوند، بلکه بیشتر علاقمند قواعد شکل‌های زندگی هستند و جنبش‌های اجتماعی به مبارزه با آن‌ها برمی‌خیزند. (هابرماس، 1981: 33)

آلبرتو ملوچی<sup>7</sup> با بهره‌گیری از ایده‌های هابرماس اذعان می‌کند جنبش‌های اجتماعی جدید سعی دارند با دخالت بیجای دولت و بازار در زندگی اجتماعی مخالفت کنند و درمقابل دستکاری و دخالت همه‌جانبه از سوی نظام، هویت فردی و حق زندگی خصوصی و عاطفی فرد را احیا کنند (دلپورتا و دیانی، 1384: 28).

درارتباط با ماندگاری سرمایه‌داری می‌توان به نظریه به رسمیت‌شناسی<sup>8</sup> آکسل هونت اشاره کرد. هونت معتقد است که شهروندان به لحاظ اخلاقی، خواهان به رسمیت شناخته‌شدن از طرف دیگران هستند. به رسمیت‌شناسی امروز بیشتر معنای ارجگذاری هویت فرهنگی انسان‌ها و به رسمیت شناختن گروه‌های قومی و دینی پیدا کرده است.

بخشی از نظریه هونت که برای ما مهم است، دریافت او از بنیاد ارزشی به رسمیت‌شناسی است. او با بازاندیشی نظریه‌های دورکیم و پارسونز، نظام ارزشی - هنجاری جامعه را نه فقط بنیاد الگوی بازشناسی، بلکه دلیل بنیاد نظام توزیع امکانات و منابع در جامعه می‌داند. سهم هرکس از امکانات و منابع موجود در جامعه در نهایت از ارجی نشأت می‌گیرد که جامعه برای کار و مقام آن فرد قایل است. ناعدالتی عملاً در به رسمیت‌شناسی ریشه یا محرومیت از به رسمیت‌شناسی دارد. جامعه برای گروهی از انسان‌ها، یک طبقه یا یک حرفه ارجی قائل نشده آن‌ها را محکوم به محرومیت یا بهره‌مندی کمتری از منابع و امکانات می‌سازد. چنین گروه یا طبقه‌ای در صورتی که بخواهد به مقامی هم‌سان دیگران و هم‌شأن جایگاه اجتماعی خود دست یابد، باید با نظام ارزشی جامعه یا برداشت خاص انسان‌ها از آن به مبارزه برخیزد. به این خاطر نیز جنبش‌های سیاسی و اجتماعی گروه‌های محروم و ستمدیده، همواره جنبش‌هایی ارزشی و اخلاقی هستند (سگلو و دیگران، 2008: 61-64).

بر مبنای نظریه هونت انسان‌ها شیوه موجود تولید و مصرف را از نظر هنجاری و ارزشی برحق می‌دانند و با آن سازگاری نشان می‌دهند و انسان‌ها معتقدند که شیوه تولید و الگوی مصرفی جهان معاصر، ناعدالتی خاصی را بر کسی تحمیل نمی‌کند و اگر سختی و مشکلاتی برای برخی پیش می‌آید یا به خاطر عدم کارکرد درست بخش‌هایی از نظم موجود است یا به خاطر رفتار نادرست خود آن افراد. (محمودیان، 1391: 1-5)

بررسی تحلیلی شعارهای جنبش اشغال ... \_\_\_\_\_ غلامرضا جمشیدیها و همکار

براساس آرای هونت می توان گفت این بحران‌ها به صورت دوره‌ای رخ می‌دهند و واکنش به این بحران‌ها شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی است؛ اما نظام سرمایه‌داری هم همچنان پابرجا خواهد بود؛ زیرا مردم ریشه مشکلات را در جای دیگری غیر از نظام سرمایه‌داری می‌بینند و آن را به رسمیت نمی‌شناسند.

مدافعان سرمایه‌داری معتقدند اعتراض‌های ضدوآل استریتی یک جنبش اجتماعی علیه بیکاری و بحران اقتصادی و مالی است؛ اما باید اضافه کرد علاوه بر این که سرمایه‌های مرئی غرب شبیه بازارهای مالی با شکست، کسری و ناکامی مواجه شده است، باید به نقش سرمایه‌های نامرئی (سرمایه سیاسی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی) که اهمیت بیشتری دارند و دست‌خوش تغییر و تحول شده‌اند، نگاهی عمیق‌تر انداخت. کوشش برای خلاصه‌کردن بحران کنونی به بحران مالی، به‌طور اساسی ایدئولوژیکی است؛ زیرا سعی می‌شود تا بحران را تنها در بخش محدودی از سیستم سرمایه‌داری تعریف کند. این جنبش اعتراضی، جنبشی اجتماعی است؛ علی‌رغم اینکه خواسته‌ها و تقاضاهای اقتصادی در صدر خواسته قرار دارد در بطن نظام سرمایه‌داری خواهان تغییرات جدی در سایر حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. براساس مباحث فوق، خواسته‌های معترضان به چهارحوزه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در نظام سرمایه‌داری تقسیم شد. در این شعارها خواسته‌هایی مطرح شد که می‌توان آن را در یکی از حوزه‌های نام‌برده قرار داد؛ سپس بر مبنای مدل گردآوردی شده می‌کوشیم ماهیت این جنبش اعتراضی را مشخص سازیم، اینکه آیا جنبشی اصلاحی است که به دنبال برخی تغییرات در برخی حوزه‌هاست و این بحران‌ها را هم موقتی می‌داند که براساس تغییر، تکامل و تحول قابل حل است یا جنبشی است که خواهان تغییر کل سیستم است.

براساس مباحث چارچوب مفهومی فوق می‌توان گفت، نظام سرمایه‌داری از آنجاکه نظامی براساس رقابت آزاد است، نابرابری‌ها هیچ‌وقت نه تنها ریشه‌کن نمی‌شوند، بلکه همچنان به قوت خود باقی می‌مانند و حتی تشدید هم می‌شوند؛ این تناقض‌ها هرچند وقت یک‌بار خود را در قالب بحران‌ها نمایان می‌کند. همچنین از آنجاکه در نظام سرمایه‌داری اقتصاد و دولت بوروکراتیک به‌مثابه نظام‌هایی تلقی می‌شوند که در آن‌ها بازیگران اجتماعی با تفکر استراتژیک بر مبنای نفع شخصی و منطق درونی خود عمل می‌کنند و این نظام‌ها همواره در پی سلطه بر زیست جهان است، در نتیجه، زیست جهان به‌طور مداوم از سوی سلطه تجاری‌شدن و اداره بوروکراتیک که بر زندگی اجتماعی و شخصی چنگ انداخته‌اند و ارتباطات بشری را کنترل و مختل کرده‌اند، تهدید می‌شود. جنبش‌های

اجتماعی هم در واکنش و مقاومت در برابر این بحران‌ها شکل می‌گیرند و سعی در دفاع از حوزه عمومی دارند و خواهان پاسخ‌گویی نظام به‌گونه‌ای عقلایی هستند؛ در واقع، دولت و بازار ارزش‌ها و انگیزه‌های سستی را تضعیف می‌کنند؛ اما از آنجاکه هیچ آلت‌رناتیوی برای این نظام وجود ندارد، این جنبش‌ها بیشتر خصلت اصلاحی و تدافعی به خود می‌گیرند تا انقلابی و سعی در ایجاد یک جامعه عادلانه و مشارکتی به‌گونه‌ای عقلانی دارند که در آن نابرابری‌ها کاهش یابد.

### روش‌شناسی پژوهش

از آنجاکه یکی از اهداف اصلی این پژوهش بررسی ماهیت و نوع جنبش است، مناسب‌ترین روش برای شناخت آن تحلیل شعارها از طریق تحلیل محتواست.

در این تحقیق براساس تحلیل محتوای آشکار و ضمنی شعارهای وال استریت به جمع‌آوری شعارهای جنبش، تجزیه و تحلیل شعارهای به‌دست آمده، استخراج شعارها براساس تخصیص بر مبنای حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و ماهیت جنبش پرداخته شده است. ابتدا کلیه منابعی که احتمال داشت شعارهای جنبش وال استریت در آن وجود داشته باشد، بررسی شد. شعارها از کلیه منابع نوشته‌شده اعم از شبکه‌های اجتماعی، جراید، رسانه‌ها و سایت‌های خبری داخلی و خارجی جمع‌آوری شدند. (لازم به توضیح است که در چندین شبکه اجتماعی از ابتدای شکل‌گیری جنبش تاکنون کلیه حوادث و اتفاقات در جنبش مورد بحث قرار گرفته و همچنین شعارها و پلاکاردهایی که در جنبش وجود داشته بر روی سایت‌ها قرار گرفته و به بحث گذاشته شده، یکی از منابع اصلی جمع‌آوری شعارها همین شبکه‌های اجتماعی بوده است) براساس تعریف شعار «عبارت نسبتاً موزون و ساده و عامه‌فهمی است که بتواند دسته‌جمعی ادا شده و با تکیه بر عواطف و احساسات توده‌ای، ارزیابی مثبت یا منفی از وضع موجود یا وضع آرمانی یا شخصیت‌های سیاسی آن ارائه دهد و با قضاوت ارزشی به توده‌ها جهت داده و آن‌ها را دعوت به عمل سیاسی جمعی کند (پناهی، 1383: 49)؛ بنابراین، منظور از شعار در این تحقیق، همه عبارات و جملات و نوشته‌هایی است که در جنبش وال استریت بر روی پلاکاردها یا در شبکه‌های اجتماعی مختلف تبلیغ و سر داده شد.

در این تحقیق، صد شعار از جنبش وال استریت بررسی شد، البته این تعداد شعار می‌توانست کمتر یا بیشتر باشد؛ اما براساس منابع در دسترس صد شعار گردآوری شد؛ سپس با استفاده از

بررسی تحلیلی شعارهای جنبش اشغال ... \_\_\_\_\_ غلامرضا جمشیدیها و همکار

روش تحلیل محتوا شعارها تجزیه و تحلیل شدند. در این تحقیق، شعارهای مربوط به حوزه‌های چهارگانه (اقتصاد، سیاست، فرهنگ، اجتماع) از هم به تاسی از پارسنز تفکیک شد. بنابر پژوهشی که پناهی قبلاً در ارتباط با تحلیل محتوای شعارهای تبلیغاتی انجام داده است، دوازده مقوله برای تحلیل محتوای شعارها در نظر گرفته شد: دو مقوله برای بُعد سیاسی، شامل ارزش‌ها و نهادهای سیاسی؛ یک مقوله برای بُعد فرهنگی، شامل ارزش‌ها و باورها؛ دو مقوله برای بُعد اقتصادی، شامل «آزادی و امنیت»، «وضع زنان»، «وضع جوانان»، «مسائل محیط زیست» در نظر گرفته شد. (پناهی، 1380: 177)

برای تحلیل محتوا شعارها باید رمزگذاری می‌شدند تا اطلاعات خام به‌طور منطقی تغییر شکل یافته، به واحدهایی برای توصیف دقیق ویژگی‌های محتوا تبدیل شود (هولستی، 1373: 147). برای رمزگذاری ابتدا باید مقوله‌های مورد بررسی مشخص و به‌طور دقیق تعریف می‌شدند. در این مرحله، محقق باید از یک‌سو متغیرهایی را که با آن سروکار دارد، تعریف نظری بکند و از سوی دیگر باید شاخص‌هایی را که اطلاعات محتوا بر آن اساس در مقوله‌ها قرار می‌گیرند، تعریف عملیاتی کند.

### 1. شعارهای سیاسی

فرهنگ سیاسی خاص هر جامعه در بردارندهٔ باورها، نمادها، ارزش‌ها و هنجارهایی است که فعالیت‌های سیاسی در آن انجام می‌شود و مردم رابطهٔ خود با حکومت و حکام را در داخل آن معنی و تنظیم می‌کنند (سدیغ، 1376: 11-13). مقولهٔ ارزش‌های سیاسی در این پژوهش دربرگیرندهٔ شعارهایی است که مربوط به مطلوبیت‌های سیاسی بوده و باورهای مردم یا شکل سیاسی را در مورد حقوق سیاسی و رابطهٔ مردم با نظام سیاسی مشخص کنند. مقولهٔ نهادهای سیاسی دربرگیرندهٔ شعارهایی است که اعضای جنبش یا تشکل‌های سیاسی در رابطه با یکی از نهادهای سیاسی یا نهادمند کردن آن‌ها مطرح کرده باشند (هانتینگتون، 1370، 18-25).

### 2. شعارهای فرهنگی

اساس یک نظام فرهنگی و کنش‌های اجتماعی را ارزش‌ها و هنجارهای آن می‌سازد (کلمن، 1377: 366-457). مقولهٔ شعارهای فرهنگی همهٔ شعارهای مربوط به ارزش‌ها و هنجارهای

وضع فرهنگی جامعه است که اعضای جنبش عنوان کرده‌اند. (پناهی، 1380: 178). برای شعارهای مربوط به حوزه فرهنگ، مقولاتی چون خواستار اصلاح وضع فرهنگی نظام، تغییر و یا اصلاح ارزش‌ها و هنجارهای نظام، تغییرات فکری و بینشی و رفتاری و تغییرات مربوط به مصرف‌گرایی و ارائه خدمات فرهنگی در نظر گرفته شد.

### 3. شعارهای اقتصادی

برای شعارهای اقتصادی دو مقوله تعیین شد. شعارهایی که اعضا درباره فقر و محرومیت‌زدایی از جامعه و ایجاد رفاه اقتصادی برای مردم و نفی بی‌عدالتی و نابرابری‌های اقتصادی و عوامل آن مطرح کرده بود، در مقوله فقر و محرومیت و رفاه قرار داده شد. شعارهایی که درباره رشد و توسعه و عوامل مربوط مطرح کرده بود، جزو مقوله رشد و توسعه منظور گردید.

### 4. شعارهای اجتماعی

برای بررسی شعارهای اجتماعی پنج مقوله در نظر گرفته شد که عبارت‌اند از ضرورت ایجاد آزادی‌ها و امنیت و عدالت و قانونمندی اجتماعی، توجه به وضع زنان، توجه به وضع جوانان، توجه به مسائل محیط زیست. (همان، 178).

همچنین برای تعیین ماهیت و نوع جنبش، شعارها به چهار دسته تقسیم شد: 1. شعارهایی که خواهان براندازی کامل نظام سرمایه‌داری و ایجاد دگرگونی اساسی در جامعه است و به اصطلاح، این‌گونه شعارها از آن جنبش‌های انقلابی<sup>9</sup> است. 2. شعارهایی که هدف آن ایجاد اصلاحات ساختاری در بُعدی از ابعاد جامعه است که در این‌گونه موارد باید آن را یک جنبش اصلاحی<sup>10</sup> نامید. 3. شعارهایی که خواهان حفظ وضع موجود و مخالف تغییر به وضع دیگر هستند؛ این‌گونه شعارها در جنبش‌های مقاومت<sup>11</sup> سرداده می‌شوند. 4. شعارهایی که بیشتر در پی بیان احساسات خاص، تأیید و تحکیم ارزش‌ها و باورهای موجود و یا تبلیغ مذهب و فکر جدیدی است. هدف مستقیم این جنبش‌ها دگرگون‌کردن ارزش‌ها و نگرش‌ها و طرز تفکر انسان‌ها و هویت آن‌هاست، نه ساختارها و نهادهای اجتماعی. این نوع جنبش‌ها را می‌توان جنبش‌های بیانی<sup>12</sup> نامید (پناهی، 1389: 40-43).

بررسی تحلیلی شعرهای جنبش اشغال ... \_\_\_\_\_ غلامرضا جمشیدیها و همکار

روش تحلیل محتوای این تحقیق، برحسب متن شعرها روش ترکیبی تحلیل محتوای آشکار و پنهان است؛ بدین معنی که هم مفاهیم آشکار به کاررفته در شعرها برای رمزگذاری مورد توجه بودند، هم معانی و مضمون و نوع ارتباط واژه‌ها باهم. برای شناسایی هر مضمون، وجود حداقل یک کلمه در شعر، به عنوان واژه مبنای مضمون، ضروری تشخیص داده شد. از آنجا که، بیشتر شعرها در بردارنده بیش از یک مضمون هستند و به راحتی نمی‌توان آن را در یک مقوله قرار داد، در نهایت به جای جمله یا کلمه از موضوع به عنوان واحد تحلیل استفاده شد. منظور از موضوع، مضامین مستقل و مشخصی هستند که براساس مفاهیم آشکار به کاررفته در شعرها معنای خاصی را می‌رسانند.

### یافته‌های پژوهش

بر مبنای واحد مضمونی و مقوله‌ها و زیرمقوله‌های تعیین شده از تحلیل محتوای موضوعی بعد از بررسی و از دور خارج کردن شعرهایی که به نوعی تکراری بودند، صد شعر در نهایت، جمع‌آوری شد. در بحث تفکیک حوزه‌های چهارگانه دوستان و شصت مضمون و در بخش ماهیت و نوع جنبش، صد و پنجاه مضمون به دست آمد. در جدول شماره 1 چگونگی توزیع مضمون‌ها در مقوله‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دیده می‌شود. بعد از توزیع هریک از این مقوله‌ها در جدول شماره 6 به چگونگی توزیع ماهیت جنبش برحسب مقوله‌های تقسیم‌بندی شده پرداخته شده است.

جدول 1 چگونگی توزیع مضمون شعرهای مربوط به حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

موضوع مقوله	تعداد مضمون	درصد
حوزه اقتصادی	105	40/38
حوزه سیاسی	68	26/15
حوزه اجتماعی	48	18/46
حوزه فرهنگی	39	15
جمع مضمون‌های صد شعر	260	0/100

براساس جدول از دویست و شصت مضمون موجود در شعارها 40/38 درصد متعلق به حوزه اقتصادی است. این نشان می‌دهد بیشترین تأکید شعارها بر روی مشکلات اقتصادی است؛ بنابراین اعتراض جنبش علیه بی‌عدالتی اقتصادی و مطامع شرکت‌های بزرگ و شکاف غنی و فقیر بالاترین فراوانی را دارد.

بعد از حوزه اقتصادی، بیشترین فراوانی از آن حوزه سیاسی است که 26/16 درصد است. در کنار موضوع بی‌عدالتی اقتصادی درخواست مهم دیگر هواداران این جنبش آن است که نظام سیاسی کنونی آمریکا دموکراسی واقعی نیست و انحصار دو حزبی است و آن‌ها نیز به خاطر نفوذ سرمایه‌داران نمی‌توانند منافع واقعی مردم را پیش ببرند.

درصد فراوانی حوزه اجتماعی 18/46 درصد است که در رتبه سوم قرار دارد. ایجاد فضای چنددستگی و نابسامانی‌های اجتماعی با رویکرد سیاست‌مداران و دولتمردان به اجرای سیاست‌های تبعیض‌آمیز و نادیده گرفتن حقوق شهروندی که نارضایتی افشار مختلف جامعه را به همراه داشته است را می‌توان در حوزه اجتماعی مشاهده کرد.

درنهایت، درصد فراوانی حوزه فرهنگی پانزده درصد است. که نشان می‌دهد برخی شعارها بر برخی تغییرات فرهنگی و درونی نظام آمریکا و به‌طور کلی، سرمایه‌داری تأکید دارد. این نشان می‌دهد که خواسته معترضان، تنها به نابسامانی‌های اقتصادی نظام سرمایه‌داری محدود نمی‌شود، بلکه آن‌ها بنیان‌های فکری و مبانی لیبرالیسم را به چالش کشیده‌اند. در ادامه به ذکر جزئیات مقوله‌های چهارگانه می‌پردازیم.

جدول 2 چگونگی توزیع مضمون‌های شعارهای مربوط به حوزه اقتصادی

موضوع زیر - مقوله	تعداد مضمون	درصد
فقر و محرومیت‌زدایی از جامعه	30	28/57
ایجاد رفاه اقتصادی	15	14/28
نفی بی‌عدالتی و نابرابری	50	47/61
رشد و توسعه	10	9/52
جمع کل	105	100



بررسی تحلیلی شعارهای جنبش اشغال ... \_\_\_\_\_ غلامرضا جمشیدیها و همکار

در زیرمقوله‌های حوزه اقتصادی، فقر و محرومیت و رفاه با 28/57 درصد در رتبه اول، ایجاد رفاه اقتصادی با 14/28 درصد در رتبه دوم، نفی بی‌عدالتی و نابرابری با 47/61 درصد در رتبه سوم و رشد و توسعه با 9/52 درصد در رتبه چهارم است. بیشترین تقاضای کنشگران در این حوزه از بین بردن فقر و محرومیت‌زدایی از جامعه است.

جدول 3 چگونگی توزیع مضمون‌های شعارهای مربوط به حوزه سیاسی

درصد	تعداد مضمون‌ها	موضوع مقوله
16/17	11	حقوق سیاسی
7/35	5	خواهان تغییر رابطه مردم با نهادهای سیاسی
11/76	8	خواستار اصلاح یک نهاد سیاسی
23/52	16	تغییر ساختار طبقاتی
17/64	12	تغییر سیاست‌های حکومتی
23/52	16	ضدجنگ
100	68	جمع کل

در زیر مقوله‌های حوزه سیاسی 16/17 درصد شرکت‌کنندگان خواستار حقوق سیاسی، خواهان تغییر یا اصلاح رابطه مردم با نهادهای سیاسی 7/35 درصد، خواستار اصلاح یک نهاد سیاسی 11/76 درصد، خواهان تغییر ساختار طبقاتی 23/52 درصد، تغییر سیاست‌های حکومتی 17/64، ضدجنگ و مخالف جنگ‌افروزی و اعتراض به افزایش هزینه‌های نظامی 23/52 درصد است.

#### جدول 4 چگونگی توزیع مضمون‌های شعارهای مربوط به حوزه اجتماعی

درصد	تعداد مضمون	موضوع زیر - مقوله
16/45	8	عدم آزادی و نادیده گرفتن حقوق شهروندی
12/50	6	اقلیت‌های مختلف
31/25	15	امنیت اجتماعی
10/41	5	عدالت و قانونمندی اجتماعی
12/50	5	توجه به وضع زنان
16/45	6	توجه به وضع جوانان و تامین نیازهای آنها
16/45	8	توجه به مسائل محیط زیست
100	48	جمع کل

زیرمقوله‌های حوزه اجتماعی در شعارهای تحلیل شده براساس مضمون‌ها به شرح زیر است: 16/45 درصد به عدم آزادی و نادیده گرفتن حقوق شهروندی اقلیت‌های مختلف اعم از مسلمانان، هندی‌تبارها، اسپانیایی‌ها و... اعتراض کردند، 31/25 درصد خواستار عدالت و قانونمندی اجتماعی هستند، 10/41 درصد شعارهای اجتماعی خواهان توجه به وضع زنان است، 12/50 درصد خواهان توجه به وضع جوانان و رفع نیازهای آنها هستند و 16/45 درصد خواهان توجه به مسائل زیست‌محیطی و حفظ آن و سیاست‌های نظام سرمایه‌داری در قبال محیط زیست هستند.

#### جدول 5 چگونگی توزیع مضمون‌های شعارهای مربوط به حوزه فرهنگی

درصد	تعداد مضمون	موضوع زیر - مقوله
12/82	5	اصلاح وضع فرهنگی نظام
28/20	11	تغییر و یا اصلاح ارزش‌ها و هنجارهای نظام
12/82	5	رد یا دفاع از یک عقیده، مرام و یا دین
20/05	8	تغییرات فکری و بینشی و رفتاری
25/64	10	نقد مصرف‌گرایی و خدمات فرهنگی
100	39	جمع کل

بررسی تحلیلی شعارهای جنبش اشغال ... \_\_\_\_\_ غلامرضا جمشیدیها و همکار

در حوزه فرهنگی براساس تحلیل محتوای شعارها 12/82 درصد خواهان اصلاح و یا تغییر وضع فرهنگی جامعه هستند، 28/20 درصد خواهان تغییر و یا اصلاح ارزش‌ها و هنجارهای جامعه هستند، 12/82 درصد شعارها یک عقیده یا مرام خاص را دفاع یا رد کرده است، 20/05 شعارهای حوزه فرهنگی خواهان اصلاح یا تغییرات فکری و بینشی هستند و 25/64 درصد شعارهای حوزه فرهنگی به نقد الگوی مصرف‌گرایی و پیامدهای آن اعتراض داشته است و به دنبال تغییر یا اصلاح بوده است.

#### جدول شماره 6 چگونگی توزیع مضمون شعارها برحسب ماهیت جنبش

موضوع زیر - مقوله	تعداد مضمون	درصد
تغییر ارزش‌ها و نهادهای اجتماعی و تغییر قانون	68	43/03
اصلاح قانون و نهادها، هنجارها، تعدیل شکاف‌ها و نابرابری	64	39/87
بیان احساسات، تأیید و تحکیم ارزش‌ها و باورهای موجود، تبلیغ فکر و یا مذهب خاص، تعریف هویت خود	15	9/49
حفظ وضع موجود، خواهان بازگشت به گذشته، حفظ نهادها و سنت‌های موجود جامعه	0	0
سایر مضمون‌ها	12	7/59
جمع کل	158	100

43 درصد مضمون شعارها خواهان تغییر ارزش‌ها و نهادهای اجتماعی و تغییر قانون است؛ این دسته از شعارها با نفوذ نظام سرمایه‌داری در سیاست‌گذاری، تدوین و اجرای سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و پیامدهای آن مخالف است. در این بخش از مضمون‌ها به نظر می‌رسد که شعارها روی تغییرات کلی و اساسی تأکید می‌کند.

39/87 درصد مضمون شعارها خواهان اصلاح قانون و نهادها، کم‌کردن فاصله شکاف‌ها و تعدیل آن است. این دسته از شعارها خواهان بازنگری در سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نظام امریکا بوده و به دنبال اصلاح بی‌عدالتی نظام امریکا هستند.

9/49 درصد مضمون شعارها در پی ابراز احساسات، تأیید و تحکیم باورهای خود، تبلیغ یک فکر و مرام خاص بوده است. هدف این گونه شعارها مبارزه در حوزه فرهنگ و معانی و هویت است و در واقع، افراد خواهان بازتعریف هویت‌ها و شناساندن و قبولاندن آن‌ها به جامعه هستند. در بین شعارها مضمونی که بر روی بازگشت به گذشته یا بازگشت به دوره‌ای خاص باشد، مشاهده نشد. در پایان این قسمت لازم به یادآوری است تعدادی از شعارها در هیچ‌یک از این چهار مقوله نمی‌گنجیدند و در مقوله سایر شعارها قرار گرفتند.

### نتیجه‌گیری

موضوع بررسی این مقاله تحلیل مضمون شعارهای جنبش اشغال وال استریت بود. خواسته‌های معترضان در چهار حوزه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بررسی شد. بیشترین تأکید شعارها بر حوزه اقتصادی متمرکز بود. 43/07 درصد از مضمون شعارها روی تغییرات در برخی نهادها و ارزش‌ها و 39/87 درصد مضمون‌ها خواهان اصلاح وضعیت موجود بودند.

این جنبش از دונگاه بررسی شد تا به دو ادعا پاسخ دهد؛ اینکه آیا این جنبش، اصلاحی است یا براندازانه. در نگاه اول، عده‌ای آن را یک جنبش اصلاحی می‌بینند. و اذعان می‌کنند تظاهرکنندگان با کل سیستم مشکل ندارند، بلکه با برخی نتایج و عملکردهای سیستم مشکل دارند؛ یعنی مسئله آن‌ها توزیع عادلانه‌تر دستمزد و ثروت است. در واقع، این حرکت یک کمک به لیبرال‌دموکراسی آمریکایی است که جای خود را به مرحله پیشرفته‌تر دیگر، یعنی سوسیال‌دموکراسی می‌دهد؛ زیرا سرمایه‌داری بر اصول خود، یعنی حرمت‌نهادن به فرد و آزادی فردی و ارزشمند دانستن هرگونه سرمایه‌مالی، انسانی، فکری و خلاقیتی که سبب رشد و تولید و رفاه شود ایستاده است. این‌گونه جنبش‌ها در سیستم سرمایه‌داری باعث می‌شود که هیچ‌گاه نیازی به انقلاب در این سیستم نباشد.

در مقابل، عده‌ای دیگر معتقدند این بحران برای کل سیستم است؛ به‌همان اندازه که بحران بخش مالی، صنعتی، صادراتی، بازار کار و کلیه بخش‌های دیگر سیستم سرمایه‌داری است، بحران طبقه متوسط هم است.

بررسی تحلیلی شعارهای جنبش اشغال ... \_\_\_\_\_ غلامرضا جمشیدیها و همکار

در ارتباط با دو ادعای یادشده باید گفت: سرمایه‌داری بارها به انواع بحران‌ها اعم از اقتصادی، عقلانی و مشروعیت گرفتار شده اما این بحران‌ها سبب نابودی سرمایه‌داری نشده است. در واقع، این بحران‌های ادواری همچون زخم کهنه‌ای است که هرچند وقت یکبار سرباز می‌کنند. این قبیل جنبش‌ها هم واکنشی به این بحران‌ها و گرفتاری‌های دستگاه‌های سیاسی، اقتصادی است که سعی در آزادسازی فضای عرصه عمومی و به‌دنبال اصلاح در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دارند.

از طرف دیگر براساس شواهد تاریخی باید گفت حتی اگر دولت آمریکا برای رفع این اعتراض‌ها، از سیاست‌های نئولیبرالیسم هم عدول کند و به سمت سیاست‌های سوسیال‌دموکرات گرایش پیدا کند، باز ممکن است به دو دلیل با این قبیل جنبش‌ها مواجه شود؛ نخست اینکه سیاست‌های سوسیال‌دموکرات در گذشته نیز جواب‌گو نبوده و نتوانسته همه خواسته‌ها را محقق سازد و تغییرات بنیادین در سیاست‌های نئولیبرالی خود ایجاد کند. دوم اینکه نه تنها سرمایه‌های مرئی غرب شبیه بازارهای مالی با شکست، کسری و ناکامی مواجه شده است، سرمایه‌های نامرئی نیز روبه‌زوال گذاشته‌اند؛ بنابراین این نوع جنبش‌ها بیشتر خصلت اصلاحی دارند تا انقلابی که پاسخی به بحران‌های درهم‌تینده سرمایه‌داری است. یافته‌های پژوهش هم این امر را تأیید می‌کند که جنبش وال‌استریت بیشتر خصلت اصلاحی داشت تا انقلابی، زیرا انجام تغییراتی هم که مدنظر شرکت‌کنندگان بود، باعث نمی‌شود که سرمایه‌داری جای خود را به فرم‌اسیون دیگری بدهد.

با این‌همه دستیابی به دگرگونی و اصلاح در ساختار نظام سرمایه‌داری، نیازمند تداوم جنبش‌هایی از این قبیل است. تغییر این نظام اگر اتفاق بیفتد، به شکل تدریجی خواهد بود، مانند راهی که در کشورهای غربی نظیر اسکانداویناوی دنبال کرده‌اند.

## پی‌نوشت‌ها

1. Zanden
2. social movement
3. John Maynard Keynes
4. Francis Fukuyama
5. Francis Fukuyama
6. bureaucratic administration
7. Alberto Melucci

8. recognition
9. revolutionary movement
10. reformist movement
11. resistance movement
12. expressive movement

## منابع

- اسکات، آلن (1388)، فرهنگ سیاسی و جنبش‌های اجتماعی، مترجم: رامین کریمیان، تهران، نشر آگه.
- امین صارمی، نوذر (1390)، وال استریت جنبشی از درون، فصلنامه ره‌نامه سیاست‌گذاری، سال دوم، شماره سوم.
- بدیع، برتران (1367)، فرهنگ و سیاست، ترجمه احمد نقیب‌زاده، نشر دادگستر.
- بشیریه، حسین (1379)، انقلاب بسیج سیاسی، انتشارات دانشگاه تهران.
- پناهی، محمدحسین (1389)، نظریه‌های انقلاب: وقوع، فرآیند و پیامدها، تهران، سمت.
- \_\_\_\_\_ (1385)، ارزش‌های جهاد و شهادت در شعارهای انقلاب اسلامی، نامه علوم اجتماعی دانشگاه تهران، شماره 29.
- پناهی، محمد حسین (1385)، بررسی تبلیغات انتخاباتی مجلس ششم در حوزه تهران، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره 167.
- پناهی، محمدحسین (1383)، جامعه‌شناسی شعارهای انقلاب اسلامی، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- دلاپورتا، دوناتلا و ماریو دیانی (1384)، مقدمه‌ای بر جنبش‌های اجتماعی، مترجم: محمدتقی دلفروز، تهران، کویر.
- زرشناس، شهریار (1391)، جنبش وال استریت چرخشی در نظام‌های سیاسی اقتصادی دنیا، <http://www.yjc.ir/fa/news/4059196>
- رفیع محمودیان، محمد (1390)، سرمایه‌داری و چالش‌گرائش: در انسداد یا در اوج سرزندگی، <http://daneshnamah.com>
- عرفانی، کوروش (1390)، بحران سرمایه‌داری: ریشه‌ها و گزینه‌های موجود، نشریه پرچم.
- کرایب، یان (1378)، نظریه اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس، ترجمه عباس مخبر، نشر آگه.

بررسی تحلیلی شعارهای جنبش اشغال ... \_\_\_\_\_ غلامرضا جمشیدیها و همکار

- کلمن، جیمز (1377)، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی.
- نش، کیت (1380)، جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران، کویر.
- نقی‌زاده، محمد (1391)، بحران سرمایه‌داری مالی؛ اشغال وال‌استریت، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- هابرماس، یورگن (1380)، بحران مشروعیت تئوری سرمایه‌داری مدرن، مترجم: جهانگیر معینی، تهران، گام نو.
- هنتینگتون، ساموئل (1370)، سامان سیاسی در جوامع دست‌خوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، نشر علم.
- هولستی، ال. آر. (1373)، تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی، ترجمه نادر سالارزاده، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- هولاب، رابرت (1386)، نقد در حوزه عمومی، ترجمه حسین بشیریه، تهران نشر نی.
- Abercrombie, Nicholas (2000), Dictionary of Sociology, London: Penguin Books
- Habermas Jurgen, (Fall 1981), " New Social Movements: Telos, No. 49 .
- Habermas Jurgen, (1986), " The New Obscurity: The Crisis of the Welfare state and The exhaustion of Utopain Energies", Philosophy and Social Criticism, No. 11 .
- Habermas Jurgen, (1987), "The Tasks of a Critical Theory of Society", in: Meja Volker & et. Al. MODERN German Sociology, (New York: Columbia University Press ( .
- White Stephen K. , (1990) , The recent work of Jurgen Habermas: Reason, Justice and Modernity, (Cambridge: Cambridge University press) , Sccond print .
- Zanden, James W (1990) , The Social Experience: An Introduction to Sociology, Second Edition, New York: McGraw- Hill Publishing Co .